23425 ـ آثار گناه بر انسان

سوال

به حج رفتم اما چند ماه پس از حج نشانه‌های پذیرش را در خودم مشاهده نکردم ـ یعنی اینکه به طاعات رو بیاورم ـ بلک برعکس در بسیاری از گناهان واقع شدم. سال گذشته عزم کردم که به جای مادرم که درگذشته حج کنم. از یکی از مشایخ در این باره پرسیدم و ایشان فتوا داد که همانطور که نیت کرده‌ام [به جای مادرم] به حج بروم و بسیار استغفار کنم و به درگاه پروردگار زاری کنم، بنابراین با یکی از کاروان‌ها به حج رفتم. یکی از دورهای طواف و کمی از دور بعدی را انجام داده بودیم که مجبور شدیم به سبب ازدحام ادامه‌ی طواف را از سقف حرم ادامه دهیم، اما دقیقا ندانستیم طبقه پایین تا کجا طواف کرده بودیم و سعی کردیم از همانجایی که طواف را تمام کرده بودیم ادامه دهیم و طوافمان را به پایان رساندیم...

بعد از حج اخیرم دوباره به سمت گناهان برگشتم ـ و گناهان بسیاری مرتکب شدم ـ و احساس می کنم دلم سنگ شده و حس دلتنگی بدی دارم و هر وقت به سمت طاعات برمی‌گردم احساس خوبی دارم. من نسبت به اسلام و مسلمانان احساسات صادقانه‌ای دارم... نسبت به دو حجی که انجام داده‌ام و همینطور آن طوافم نگرانم. لطفا پاسخم دهیم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا: توصیه می‌کنیم از گناهان ـ کوچک و بزرگش ـ دوری کنید و به شدت از گناه برحذر باشید؛ زیرا گناه آثار شومی بر صاحبش به جای می‌گذارد. اکنون برخی از آثار گناه را از سخنان ابن قیم ـ رحمه الله ـ برایتان نقل می‌کنیم:

۱ـ «محرومیت از علم، چرا که علم نوری است که الله در قلب بنده می‌اندازد و معصیت این نور را خاموش می‌کند. هنگامی که شافعی در برابر مالک نشست و نزد وی خواند، مالک از هوش و نبوغ و کمال فهمش به شگفت آمد، پس گفت: می‌بینم که خداوند نوری را بر قلب تو تابانده، با تاریکی گناه خاموشش نکن.

۲ـ محرومیت از روزی. در مسند امام احمد از ثوبان رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: شخص به سبب گناهی که مرتکب می‌شود از روزی محروم می‌گردد به روایت ابن ماجه (۴۰۲۲). آلبانی در صحیح سنن ابن ماجه آن را حسن دانسته است.

۳ـ نوعی دوری و دلتنگی که میان او و پروردگار و بین او مردم رخ می‌دهد. یکی از سلف می‌گوید: من معصیت الله را

مرتکب می‌شوم و تاثیر آن را بر روی وسیله‌ی سواری‌ام و اخلاق همسرم می‌بینم.

۴ـ سخت شدن کارها برای او. دست به هیچ کاری نمی‌زند مگر آنکه درها را بسته می‌بیند یا برایش دشوار می‌شود. همینطور که اگر کسی تقوای الله را پیشه سازد کارش را آسان می‌سازد [گناه نیز باعث سخت شدن کارهایش می‌شود].

۵ـ گناهکار در دل خود احساس تاریکی می‌کند، همانند تاریکی شب، آنقدر که ظلمت معصیت در دل او همانند تاریکی حسی می‌شود که چشمانش حس می‌کند. چرا که طاعت نور است و گناه تاریکی است و هر چه تاریکی بیشتر باشد حیرتش نیز بیشتر می‌شود تا جایی که بی‌آنکه حس کند در بدعت‌ها و گمراهی‌ها و امور مهلک گرفتار می‌شود، مانند نابینا که به تنهایی و بی‌راهنما در تاریکی شب بیرون رود. این تاریکی آنقدر قوی می‌شود که در چشمانش ظاهر می‌شود سپس بیشتر می‌شود تا بر چهره‌اش نمایان می‌گردد و هرکس متوجهش می‌شود.

عبدالله بن عباس ـ رضی الله عنهما ـ می‌گوید: نیکی روشنی چهره و نوری در قلب و گشایشی در روزی و نیرویی در بدن و محبتی در دل خلق می‌آورد و گناه باعث تاریکی در چهره و ظلمتی در قلب و سستی در بدن و نقصی در روزی و بغضی در دل خلق می‌شود.

۶ـ محروم شدن از طاعت؛ اگر گناه مجازاتی جز این نداشت که جلوی طاعتی که جایگزینش شود را بگیرد و راه را بر طاعتی دیگر ببندد همین کافی بود، در نتیجه گناه راه سوم و سپس چهارم [انجام نیکی‌ها] را الی آخر می‌بندد و عاقبت اینکه به واسطه‌ی گناه طاعات بسیاری را از دست می‌دهد که هر کدامش برای او بهتر از دنیا و مافیها بود. این مانند مردی است که غذایی خورد و آن غذا باعث بیماری‌اش شد در نتیجه از خوردن چندین غذای خوشمزه‌تر از آن محروم شد.

۷ـ گناهان باعث به وجود آمدن گناهانی دیگر می‌شوند، یعنی هریک دیگری را تولید می‌کنند تا جایی که برای بنده ترک گناه و دوری از آن دشوار می‌شود.

۸ـ گناهان باعث ضعیف شدن اراده‌ی قلبی می‌شود و در نتیجه اراده‌ی انجام گناه را قوی می‌کند و اراده‌ی توبه را کم کم سست می‌کند تا جایی که قصد توبه به کلی از دل خارج می‌شود... در نتیجه استغفار و توبه‌ی دروغین بر زبان شخص بسیار جاری می‌شود حال آنکه دلش وابسته‌ی گناه و مُصِر بر انجام است که هرگاه موقعیتش فراهم شود عزم انجامش را دارد که این از بزرگترین بیماری‌های قلب و نزدیک‌ترینش به هلاکت است.

۹ـ زشتی گناه را از دل ریشه کن می‌سازد تا آنکه گناه برایش عادی می‌شود و حتی از اینکه مردم او را در حال انجام معصیت ببینند و از حرفشان هم خجالت نمی‌کشد.

این نزد فاسقان اوج بی‌حیایی و بالاترین لذت است، به حدی که برخی از آنان به گناهشان افتخار می‌کنند و به کسانی که از گناهش مطلع نیستند نیز آن را تعریف می‌کنند و مثلا می‌گوید: فلانی من چنین و چنان کرده‌ام. این گروه از مردم مورد عفو

قرار نمی‌گیرند و دروازه‌ی توبه غالبا به رویشان بسته می‌شود، چنانکه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: همه‌ی امت من در عافیت [و مشمول بخشش] خواهند بود جز مُجاهِران و از جمله‌ی مُجاهِره این است که الله بنده‌ای را سِتر کند [و گناهی که کرده را بپوشاند] سپس صبح هنگام خودش را رسوا نماید و بگوید: ای فلانی، امروز چنین و چنان کردم... پس خود را رسوا کند حال آنکه شب را در حالی به سر برده بود که پروردگارش او را پوشانده بود به روایت بخاری (۵۹۴۹) و مسلم (۲۷۴۴).

۱۰ـ گناهان اگر بسیار و پی در پی رخ دهند بر قلب صاحب خود مهر می‌کوبند و در نتیجه از غافلان می‌شود. همانگونه یکی از سلف درباره‌ی آیه‌ی كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (نه چنین است؛ بلکه آنچه مرتکب می‌شدند بر دلهایشان زنگار بسته است) می‌گوید: این گناهِ پس از گناه است.

اساسش چنن است که قلب در پی گناه دچار کدورت می‌شود، پس اگر گناه بیشتر شد این کدورت بیشتر شده و زنگار می‌شود، سپس زنگار آن غالب می‌شود تا آنکه مُهر و قفل می‌گردد و در نتیجه قلب در پوسته و حجاب قرار می‌گیرد. اگر این حالت بعد از هدایت و بصیرت حاصل شود فرد دچار عقب‌گرد شده و زیر و رو می‌گردد و شیطان را به دوستی می‌گیرد و او را هر جا که بخواهد با خود می‌برد.

ثانیا: این گفته‌ی شما که حج کرده‌اید و نشانه‌های پذیرش حج را ندیده‌اید بلکه گناهانتان بیشتر شده، در پاسخش می‌گوییم: پذیرش از سوی الله است و کسی نمی‌تواند به قطع بگوید که عمل شما پذیرفته شده یا خیر.

مومن اعمال نیک را انجام می‌دهد، در حالی که نمی‌داند آیا الله از وی پذیرفته یا نه.

تا جایی که ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ می‌گوید: اگر بدانم که الله یک نیکی مرا پذیرفته، مرگ برایم محبوب‌ترین غایب می‌گردد؛ زیرا لله متعال فرموده است:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ [مائده: ۲۷]

(همانا الله از متقیان می‌پذیرد).

مطلوب این است که انسان اعمال صالحش را بیشتر کند و تلاش کند تا کارهایش موافق امر الله و پیامبرش باشد و به این طریق تکلیفش را انجام داده و سپس از الله پذیرش عملش را بخواهد.

شما نیز اگر حجتان صحیح و بدون اشتباهات شرعی انجام گرفته نیازی به اعاده‌اش نیست، اما اینکه مرتکب گناهانی شده‌اید ربطی به درستی یا نادرستی حج شما ندارد اما شما برای آن مورد بازخاست قرار خواهید گرفت، بنابراین باید در اولین فرصت و پیش از فرا رسیدن اجل توبه کنید.

ثالثا: درباره‌ی اینکه طواف را شروع کرده‌اید و سپس به علت ازدحام به پشت بام حرم رفته‌اید؛ این مساله را موالات در طواف گویند. از انجمن دائم فتوا سوالی مشابه سوال شما پرسیده شد. آنان چنین پاسخ دادند که اشکالی ندارد طواف را قطع کنید و ادامه‌اش را در طبقه‌ی بالا ادامه دهید. نگا: فتاوى اللجنة الدائمة (۱۱/ ۲۳۰ ـ ۲۳۱).

اما آغاز طواف از همانجایی خواهد بود که طواف را [بر روی زمین] به پایان رسانده‌ای و در مورد تلاشی که برای تشخیص محل پایان طواف داشته‌اید اگر انسان نتواند از روی یقین تشخیص دهد بر اساس ظن غالب عمل می‌کند چنانکه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در مورد کسی که شک دارد آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکت فرمودند: سعی در تشخیص [تعداد] درست [رکعات] کند و سپس بر اساس آن ـ یعنی بر اساس تشخیص ـ خود [نمازش] را کامل کند و سپس سلام دهد و دو سجده بعد از سلام به جای آورد به روایت بخاری (۴۰۱) و مسلم (۵۷۲). نگا: الشرح الممتع (۳/ ۴۶۱).

بنابراین کامل کردن طواف شما بر روی پشت بام مسجدالحرام و تلاشی که برای تشخیص محل ادامه‌ی طواف داشته‌اید درست است و ان شاءالله مشکلی در آن نیست.

والله اعلم.